

رابطه همبستگی خانوادگی و استقلال عاطفی با مشکلات عاطفی

The Relationship between Family Cohesion and Emotional Autonomy on Emotional Problems

Siamak Samani, PhD
Asghar Razavieh, PhD

دکتر سیامک سامانی^۱
دکتر اصغر رضویه^۲

تاریخ دریافت: ۸۵/۹/۱۵

تاریخ پذیرش: ۸۵/۱۲/۲۲

Abstract

Investigating through the relationship of family cohesion and emotional autonomy on the emotional problems of adolescents is the purpose of current research. The sample of this study consists of 1592 males and females' high school students in Shiraz, whom were chosen by random cluster sampling method. To perform this study, three scales were utilized: family cohesion scale, emotional autonomy scale, and depression, anxiety and stress scale. The relation of family cohesion and emotional autonomy variables on emotional problems were analysed through a casual model. The results showed that gender, emotional cohesion, and then individuation in emotional autonomy are of the most important variables related to emotional problems. Also, this study presents the gender as an effective factor to occurrence of emotional problems.

Keywords:

Family cohesion, emotional autonomy, adjustment

چکیده

هدف از این مطالعه، بررسی رابطه همبستگی خانوادگی و استقلال عاطفی بر میزان مشکلات عاطفی در نوجوانان است. گروه نمونه این مطالعه شامل ۱۵۹۲ دانش آموز دختر و پسر مقطع دبیرستان در شهر شیراز است که به شیوه خوشه ای تصادفی انتخاب شده اند. میانگین سنی گروه نمونه برابر با ۱۵/۷۵ بود. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش شامل سه مقیاس انسجام خانواده، استقلال عاطفی و مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس بود. در این تحلیل رابطه متغیرهای همبستگی خانوادگی و استقلال عاطفی بر مشکلات عاطفی در قالب یک مدل علی، مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این مطالعه نشان داد که جنسیت، همبستگی عاطفی و بعد فردیت، در استقلال عاطفی از مؤثرترین متغیرهای مربوط بر میزان مشکلات عاطفی به حساب می آیند. این مطالعه، همچنین نشان داد که جنسیت، عاملی مؤثر بر میزان بروز مشکلات عاطفی می باشد. در مجموع، نتایج این تحلیل نشان داد که مدل مورد آزمون ۱۸/۵ درصد واریانس متغیر مشکلات عاطفی را تبیین می نماید. همچنین شاخص GFI نیز حاکی از تطابق مدل با داده های تجربی بود.

فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی

دوره اول
شماره اول
بهار ۱۳۸۶



کلید واژه ها:

انسجام خانوادگی، استقلال عاطفی، سازگاری

مقدمه

از دو مکانیزم درون سازی و برون سازی تعریف می کند (محسنی، ۱۳۷۸). در دیدگاه بافت نگر، بوم شناختی و تئوری های سیستمی، سازگاری در قالب تعاملات مکرر و مستمر ارگانیسم با محیط پیرامونی توصیف می گردد. در این دسته از نظریات، مجموعه عوامل متعددی بر نحوه سازگاری فرد تأثیر می گذارد (توماس^۴، ۱۹۹۲). نظام حاکم بر روابط اعضای خانواده، جنسیت، سن،

سازگاری^۳ روانی، نشانگر منظومه ای از پدیده ها و فرآیندهای روانی در فرد است؛ که همه، حکایت از نوعی رابطه متعادل میان فرد با خود و محیط پیرامون خویش دارد. از دیدگاه روان شناسی، با ملاحظه شاخص های سازگاری، شاید بتوان این اصطلاح را به عنوان سطحی از تعامل فرد با دنیای درون و برون تعریف نمود. پیاژه سازگاری را به عنوان تلاش مستمر ارگانیسم در تعادل جویی با محیط پیرامون با استفاده

4- Thomas

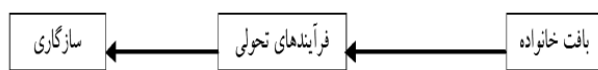
۱- گروه روانشناسی تربیتی دانشگاه شیراز (نویسنده پاسخگو) (samani@Shirzu.ac.ir)

3- adjustment

۲- گروه روانشناسی تربیتی دانشگاه شیراز

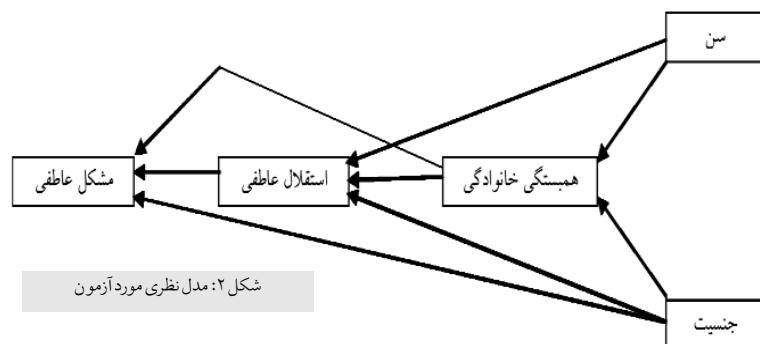


شد. سن، جنسیت و همبستگی خانوادگی: در رابطه با تأثیر جنسیت بر احساس همبستگی خانوادگی^۷، تحقیقات متعددی صورت گرفته است که نتایج اکثر آنها حکایت از وجود نوعی رابطه میان جنسیت و احساس همبستگی خانوادگی دارد. نتایج مطالعات رضویه و سامانی (۱۳۸۰)، سامانی و مزیدی (۱۳۷۹) و جوکار (۱۳۷۹) همگی حکایت از وجود رابطه میان جنسیت و احساس همبستگی خانوادگی دارد. نتایج مجموعه این مطالعات، حاکی از احساس همبستگی بیشتر دختران با خانواده، در مقایسه با پسران



شکل ۱: مدل نظری بلسکای و همکاران

است. کوپر^۸ و همکاران (۱۹۸۳) نیز در مطالعه خود نشان دادند که احساس همبستگی خانوادگی در دختران بیشتر از پسران است. در این ارتباط می توان به نتایج مطالعات هرینگ^۹ (۱۹۹۷) و پترسون و همکاران^{۱۰} (۱۹۹۳) اشاره کرد.



شکل ۲: مدل نظری مورد آزمون

در رابطه با مقایسه میزان همبستگی نوجوانان با پدر و مادر نیز اغلب تحقیقات حاکی از احساس همبستگی بیشتر نوجوانان با مادر است (رضویه و سامانی، ۱۳۷۹؛ جوکار، ۱۳۷۹ و استیونس و رایلی^{۱۱}، ۲۰۰۶).

در رابطه با نوع ارتباط متغیر سن با احساس همبستگی خانوادگی، نتایج اکثر تحقیقات حکایت از رابطه معکوس میان این دو متغیر دارد (سامانی و مزیدی، ۱۳۷۹ و لوسیا و برسلوا^{۱۲}، ۲۰۰۶). پترسون و همکاران (۱۹۹۴) نیز در مطالعات

فرهنگ، ارزش ها، سبک های تربیتی رایج در جامعه و مجموعه پدیده های روانی و تحولی - همانند بلوغ و پیامدهای عاطفی و شناختی آن - از جمله عوامل مؤثر بر نحوه سازگاری فرد در سنین مختلف می باشد (چو^۱، ۲۰۰۰؛ باربر و السون^۲، ۱۹۹۷). با این توصیف می توان سازگاری فرد را حاصل منظومه ای از متغیرها و مؤلفه های فردی و اجتماعی دانست که هر یک به نحوی و با درجات مختلفی در آن نقش دارند (سامانی، ۱۳۸۱).

بلسکای، استنبرگ و دراپر^۳ (۱۹۹۱) در خصوص عوامل مؤثر بر سازگاری، مدل نظری خاصی را ارائه می کنند (شکل ۱). در این مدل، بلسکای و همکاران (۱۹۹۱) بافت خانواده^۴ و فرآیندهای تحولی را عواملی مؤثر بر سازگاری معرفی نموده اند. در این مدل فرآیندهای تحولی، نقش واسطه را ما بین بافت خانوادگی و میزان سازگاری ایفا می کنند. در این مدل، منظور از بافت خانوادگی، نوع روابط عاطفی حاکم بر خانواده، نوع روابط زناشویی و سبک های فرزندپروری می باشد و منظور از فرآیندهای تحولی مجموع خصوصیات روان شناختی از قبیل رشد شناختی، هیجانی، دلبستگی^۵، خوداتکایی، فردیت و رشد اجتماعی است.

بر اساس مدل فوق، در این پژوهش

به بررسی نقش واسطه گری متغیر استقلال عاطفی (به عنوان شاخص فرآیندهای تحولی) در نحوه اثرگذاری همبستگی خانوادگی (به عنوان شاخص بافت خانواده) بر متغیر مشکلات هیجانی (سازگاری) در دوران نوجوانی پرداخته شد. این هدف در قالب یک مدل علی مطابق شکل دو، مورد بررسی قرار خواهد

گرفت. در این بررسی دو متغیر سن و جنسیت نیز به عنوان دو متغیر دموگرافیک مؤثر در مدل وارد گردیدند.

همان گونه که پیشتر اشاره شد، در این مدل همبستگی خانوادگی شاخص بافت خانوادگی و استقلال عاطفی^۶ شاخص فرآیندهای تحولی در مدل بلسکای و همکاران (۱۹۹۱) می باشد. طرح مدل فوق (شکل ۲) مبتنی بر مجموعه ای از مطالعات می باشد که به طور مبسوط به آن پرداخته خواهد

- 1- Chou
- 2- Barber & Olsen
- 3- Belsky, Steinberg & Draper
- 4- family context
- 5- attachment
- 6- emotional autonomy

- 7- family cohesion
- 8- Cooper
- 9- Herling
- 10- Paterson
- 11- Stevens & Riley
- 12- Lucia & Berslau



در باب رابطه همبستگی خانوادگی و نحوه سازگاری فرزندان، حکایت از رابطه مستقیم این دو عامل دارد. به طوری که نتایج بسیاری از تحقیقات، نشانگر سازگاری مناسب فرزندان است که احساس همبستگی بالایی با اعضای خانواده و به ویژه والدین خود دارند (لوسیا و برسلوا، ۲۰۰۶). به طور مثال گیکس و اسچوالب^{۱۰} (۱۹۸۶) در مطالعه‌ای که بر روی ۱۲۸ نوجوان ۱۷ تا ۱۹ سال انجام دادند چنین گزارش می‌کنند که درک حمایت والدین باعث افزایش میزان احساس ارزش خود در فرزندان می‌گردد. نتایج اغلب تحقیقات نشانگر رابطه معکوس احساس همبستگی خانوادگی با احساس افسردگی، اضطراب، رفتار پر خاشگرانه و بزهکاری در نوجوانان است (نواک و بوسچنر^{۱۱}، ۱۹۹۹؛ کر، استاتین و تروست^{۱۲}، ۱۹۹۹؛ هارتوس و پاور^{۱۳}، ۲۰۰۰؛ ویکتور^{۱۴} و همکاران، ۲۰۰۶؛ استیونس و رایلی، ۲۰۰۶).

در رابطه با تأثیر همبستگی خانوادگی بر میزان عدم سازگاری (احساس تنهایی، اضطراب اجتماعی و اجتناب اجتماعی) می‌توان به مطالعه جانسون^{۱۵}، لاوی و ماهونی (۲۰۰۱) نیز اشاره کرد. در این مطالعه که بر روی ۱۷۸ نوجوان با میانگین سنی ۱۹/۵ سال انجام دادند، مشخص گردید که همبستگی خانوادگی دارای رابطه معکوس با شاخص‌های عدم سازگاری (احساس تنهایی، اضطراب اجتماعی و اجتناب اجتماعی) است. بدین معنا که هرچه همبستگی خانوادگی بیشتر باشد، میزان عدم سازگاری کمتر خواهد بود.

استقلال عاطفی و سازگاری: بروز تغییر و تحولات روان شناختی در جریان فرآیند رشد به طور معناداری نحوه سازگاری فرد را با خود و محیط پیرامون، دستخوش تحول می‌سازد. استقلال عاطفی نیز به عنوان یکی از پدیده‌های تحولی، تأثیر زیادی بر نحوه سازگاری نوجوان دارد. محققان مختلف در مطالعه و بررسی این تأثیرات، به نتایج متفاوتی اشاره دارند. به طوری که برخی از این محققان در بررسی تأثیر استقلال عاطفی بر برخی از شاخص‌های سازگاری به نتایج متفاوتی رسیده‌اند (جو، ۲۰۰۰؛ اولیوا^{۱۶}، ۲۰۰۱). به طور مثال در رابطه با تأثیر این پدیده تحولی (استقلال عاطفی)، بر عزت نفس نوجوان، آلن^{۱۷} و همکاران (۱۹۹۴) ارتباط معناداری را گزارش نکرده‌اند. در عوض نوم^{۱۸} و همکاران (۱۹۹۹) در

خود به رابطه معکوس متغیر سن و احساس همبستگی خانوادگی اشاره داشته‌اند. بدین معنا که همراه با افزایش سن، افراد احساس همبستگی کمتری با والدین و خانواده پیدا می‌کنند. لیکن جوکار (۱۳۷۹) در مطالعه خود، رابطه منظمی میان این دو متغیر گزارش نکرده است. در مجموع نتایج تحقیقات حکایت از رابطه معکوس میان سن و همبستگی خانوادگی دارد.

سن، جنسیت و استقلال عاطفی: از جمله عوامل مؤثر بر استقلال عاطفی، دو متغیر جنسیت و سن می‌باشند. اکثر پژوهش‌های انجام شده در رابطه با موضوع استقلال عاطفی، حکایت از وجود تفاوت میان میزان استقلال عاطفی در دختران و پسران دارد (استنبرگ و سیلوربرگ^۱، ۱۹۸۶؛ ریان و لینچ^۲، ۱۹۸۹؛ گاربر و لیتل^۳، ۲۰۰۱). همچنین نتایج اغلب تحقیقات نشان می‌دهد که میان سن و استقلال عاطفی رابطه مستقیم وجود دارد. بدین معنا که همراه با افزایش سن میزان استقلال عاطفی نیز افزایش می‌یابد (انسورث^۴، ۱۹۸۹؛ گاربر و لیتل، ۲۰۰۱). باربر و السون (۱۹۹۷) نیز در مطالعه خود نشان دادند که میان سن و میزان استقلال عاطفی رابطه مستقیم وجود دارد.

همبستگی خانوادگی و استقلال عاطفی: اغلب محققان در مطالعه استقلال عاطفی و همبستگی خانوادگی، متغیر همبستگی خانوادگی را عاملی مؤثر بر متغیر استقلال عاطفی عنوان کرده‌اند (ریان و لینچ، ۱۹۸۹؛ کتیستیزاس^۵ و همکاران، ۱۹۹۸؛ ریان و لینچ، ۱۹۸۹؛ لامبورن^۶ و استنبرگ، ۱۹۹۲). همچنین بسیاری از محققان در مدل‌های پیشنهادی خود، متغیر محیط اجتماعی را مقدم بر متغیرهای رشدی قرار می‌دهند؛ چرا که معتقدند این متغیرهای محیطی هستند که نحوه بروز پدیده‌های روانی را مشخص می‌سازند (آدامز، ریان و کتینگ^۷، ۲۰۰۰؛ هرینگ، ۱۹۹۷؛ بلسکای و همکاران، ۱۹۹۱). در باب نوع رابطه همبستگی خانوادگی و استقلال عاطفی نیز، تقریباً نتایج اکثر تحقیقات حاکی از رابطه معکوس این دو عامل با یکدیگر می‌باشد (سامانی و رضویه، ۱۳۸۰؛ ریان و لینچ، ۱۹۸۹؛ بیرز و گوسنز^۸، ۱۹۹۹؛ راس، کول و لاپسلی^۹، ۱۹۹۰).

همبستگی خانوادگی و سازگاری: اکثر تحقیقات انجام شده

10- Gecas & Schwalbe

11- Novak & Puschner

12- Kerr, Stattin & Trost

13- Hartos & Power

14- Victor, Bernat, Bernstein & Layne

15- Johnson, Lavoie & Mahony

16- Olivia

17- Allen

18- Noom

1- Steinberg & Siverberg

2- Ryan & Linch

3- Garber & Little

4- Ainsworth

5- Ketzis

6- Lamborn & Steinberg

7- Adams, Ryan & Keating

8- Beyers & Goossens

9- Rice, Cole & Lapsley



این مقیاس دارای ۲۸ سؤال در طیف لیکرت پنج نمره‌ای است (رضویه و سامانی، ۱۳۷۹). ضریب آلفا برای این مقیاس برابر با ۰/۹۰ و ضریب اعتبار آن به روش بازآزمایی ۰/۷۹ گزارش شده است.

ب) مقیاس استقلال عاطفی^۴: در خصوص ارزیابی میزان استقلال در نوجوانان از مقیاس استقلال عاطفی استفاده شد. این مقیاس توسط استنبرگ و سیلوربرگ (۱۹۸۶) تهیه شده است. این مقیاس شامل سیزده سؤال در طیف لیکرت چهار نمره‌ای در قالب سه عامل عدم وابستگی، فردیت و غیرایده آل بودن والدین می‌باشد. ضریب اعتبار کل این مقیاس سه عامل عدم وابستگی، فردیت و غیرایده آل بودن والدین در مطالعه رضویه و سامانی (۱۳۸۰) به ترتیب برابر با ۰/۷۸، ۰/۷۷ و ۰/۷۰ گزارش شده است.

ج) مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس (DASS):^۵ برای مطالعه میزان سازگاری گروه نمونه در این مطالعه، از مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس فرم ۲۱ سؤالی استفاده شد. این مقیاس توسط لا بوند و لا بوند^۶ (۱۹۹۵) تهیه شده است. در مطالعه سامانی و جوکار (۱۳۸۴) ضریب آلفا و اعتبار به شیوه بازآزمایی، با فاصله زمانی دو هفته برای این مقیاس به ترتیب برابر با ۰/۸۹ و ۰/۸۵ گزارش شده است.

شیوه اجرا

در این پژوهش از نرم افزار LISREL برای آزمون مدل مورد نظر استفاده شد. با استفاده از این نرم افزار، ماتریس همبستگی متغیرها، مقدار ضریب Beta برای تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته، مقدار مربع R برای مدل و شاخص GFI که نشانگر میزان تطابق مدل مورد نظر می‌باشد، محاسبه گردید.

نتایج

به منظور بررسی و آزمون مدل نظری مورد نظر در این پژوهش، مراحل زیر اجرا شد:

الف) رسم ماتریس همبستگی متغیرهای موجود در مدل

ب) انجام تحلیل مسیر برای مدل

ج) بررسی تطابق مدل

الف) ماتریس همبستگی مدل: جدول ۲ نشانگر ماتریس همبستگی متغیرهای موجود در مدل علی همبستگی خانوادگی، استقلال عاطفی (فردیت، عدم وابستگی و غیر ایده آل بودن والدین) و مشکلات عاطفی است. در این

تحقیق خود به رابطه مستقیم و معنادار این دو متغیر اشاره می‌کنند. در تحقیقی دیگر چن او دورن باش (۱۹۹۸) به رابطه معکوس عزت نفس با فردیت^۳ (به عنوان یکی از مؤلفه‌های استقلال عاطفی) اشاره دارند.

همان گونه که پیشتر اشاره شد، هدف این پژوهش، آزمون مدل نظری ارائه شده در شکل ۲ می‌باشد. این مدل افزون بر این که به معرفی اهمیت متغیر استقلال عاطفی به عنوان یک متغیر واسطه می‌پردازد، قصد روشن نمودن اهمیت نقش مجموعه‌ای از فرآیندهای روانی در سازگاری و تعدیل نقش عوامل محیطی همبستگی خانوادگی را دارد. از سوی دیگر، این مدل، نقش و اهمیت عوامل محیطی (همانند همبستگی خانوادگی) و فرآیندهای روانی (استقلال عاطفی) را در ارتباط با یکدیگر و در رابطه با عملکردهای روانی و رفتاری مورد تأکید قرار می‌دهد. همچنین در این گونه مدل‌ها، می‌توان سهم هر یک از عوامل محیطی و روانی را به منظور برنامه‌ریزی‌های تربیتی و درمانی، مورد توجه قرار داد.

روش

جامعه و نمونه

جامعه آماری در این پژوهش، شامل کلیه دانش آموزان دبیرستانی مدارس و مراکز پیش دانشگاهی شهر شیراز بود. گروه نمونه این پژوهش، شامل ۱۵۹۲ دانش آموز بود که از نواحی چهارگانه آموزش و پرورش انتخاب شده بودند. روش نمونه‌گیری در پژوهش خوشه‌ای تصادفی بود. جدول ۱، دربرگیرنده ترکیب سنی و جنسیتی دانش آموزان گروه نمونه است.

سن	دختر	پسر	کل
۱۵ساله	۱۴۱	۸۴	۲۲۵
۱۶ساله	۲۲۶	۲۶۰	۴۸۶
۱۷ساله	۲۴۵	۲۸۸	۵۳۳
۱۸ساله	۱۴۲	۲۰۶	۳۴۸
کل	۷۵۴	۸۳۸	۱۵۹۲

جدول ۱: ترکیب سنی و جنسی گروه نمونه

ابزارها

الف) مقیاس همبستگی خانوادگی^۳: در این مطالعه از مقیاس همبستگی خانوادگی (رضویه و سامانی، ۱۳۷۹) استفاده شد.

1- Chen

2- individuation

3- Family Cohesion Scale (FCS)

4- Emotional Autonomy Scale

5- Depression, Anxiety and Stress Scale

6- Lovibond & Lovibond



رابطه همبستگی خانوادگی و استقلال عاطفی با ...
سیامک سامانی، اصغر رضویه

نشانه‌گر قدرت تبیین متغیرهای برونزاد و واسطه برای متغیر مشکل عاطفی می‌باشد.

ج) تطابق مدل: مقدار نیکویی برازش^۲ برای مدل مورد نظر، برابر با ۰/۹۸ بود. این مقدار، حاکی از کفایت لازم مدل دارد. به منظور مطالعه بیشتر میزان تطابق مدل مورد نظر، از روش شاخص هالتر استفاده گردید. مقدار شاخص هالتر^۳ برای مدل علی همبستگی خانوادگی، استقلال عاطفی و مشکلات عاطفی برابر با ۲۲۳/۹ بود. این مقدار برای شاخص هالتر با توجه به ملاک در نظر گرفته شده برای این شاخص، حکایت از تطابق مناسب مدل مورد نظر دارد. شاخص NFI و CFI نیز از دیگر شاخص‌های تطابق مدل بود که مقدار هر

ماتریس منظور از مشکل عاطفی، نمره کل در مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس است، که شامل مجموع نمرات افسردگی، اضطراب و استرس می‌باشد. در واقع این متغیر (مشکل عاطفی)، نشانه‌گر میزان مشکلات هیجانی در افراد است.

ب) اجرای تحلیل مسیر: برای آزمون مدل علی مورد نظر از نرم افزار ویژه تحلیل معادلات ساختاری خطی (۸/۵ Lisrel)، استفاده شد. نتایج این تحلیل در قالب نمودار ارائه شده است. مقادیر موجود در دیاگرام مقدار Beta برای هر مسیر می‌باشد!

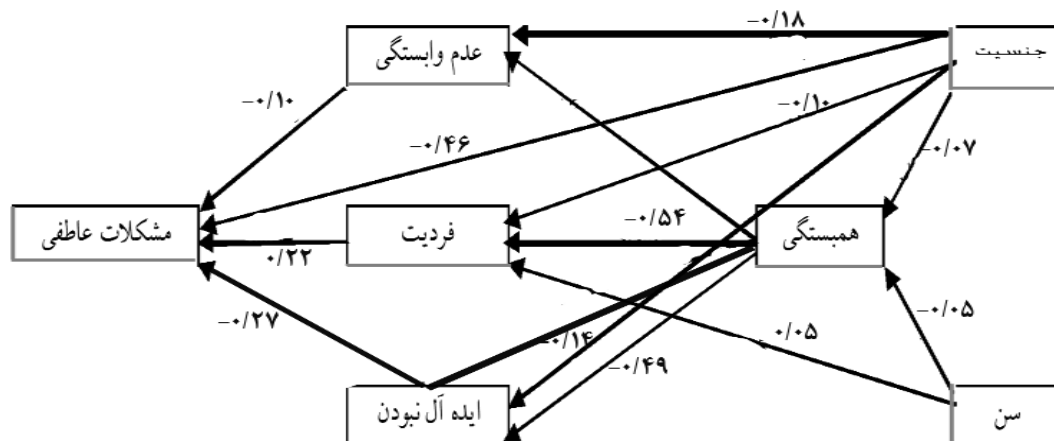
مقدار مربع R برای این مدل برابر ۱۸/۵ بود. این مقدار،

جدول ۲: ماتریس همبستگی مدل علی همبستگی خانوادگی، استقلال عاطفی و مشکلات عاطفی

متغیر	1	2	3	4	5	6	7
1 همبستگی	-						
2 فردیت	-۰/۵۴***	-					
3 عدم وابستگی	-۰/۴۶***	۰/۳۱***	-				
4 ایده آل نبودن	-۰/۴۸***	۰/۳۸***	۰/۳۹***	-			
5 جنسیت	-۰/۰۶*	۰/۱۴***	۰/۰۸**	-۰/۱۱**	-		
6 سن	-۰/۰۵*	۰/۰۷**	۰/۰۵*	۰/۰۵*	۰/۰۱	-	
7 مشکلات عاطفی	-۰/۳۴***	۰/۳۲***	۰/۰۹**	۰/۱۸**	-۰/۱۴***	۰/۰۰	

p < ۰/۰۵* p < ۰/۰۱, ** p < ۰/۰۰۱, ***

نمودار ۳: مدل همبستگی خانوادگی، استقلال عاطفی و مشکلات عاطفی



Beta > ۰/۵, p < ۰/۰۱, Beta > ۰/۱۰, p < ۰/۰۰۱, Chi-square = ۱۴۰/۱۰, df = ۴, p < ۰/۰۰۱

2- Goodness of fit index

3- halter index

۱- در این تحلیل دختران با کد یک و پسران با کد دو مشخص شده اند.



احتمالاً می‌تواند مهیاکننده شرایط لازم برای بروز رفتارهای اختلالی مختلفی در نوجوانان باشد.

نتایج این مطالعه حاکی از آن است که بیشترین اثر غیرمستقیم همبستگی خانوادگی و جنسیت از طریق احساس فردیت به مشکلات عاطفی منتقل می‌گردد. هرچند بعد فردیت دارای تأثیری تشدید کننده بر مشکلات عاطفی می‌باشد، اما بعد عدم وابستگی و یا خود اتکایی دارای تأثیر منفی بر بروز مشکلات عاطفی می‌باشد. بدین ترتیب که احساس عدم وابستگی و یا خود اتکایی موجب نوعی احساس کنترل درونی می‌گردد و این احساس موجب کاهش احتمال بروز مشکلات عاطفی در نوجوان می‌شود. این احساس خود اتکایی به ویژه در مورد پسران موجب کاهش مشکلات عاطفی در آنها می‌گردد.

بر اساس این مدل، همبستگی خانوادگی (به ویژه برای دختران) و عدم وابستگی یا خود اتکایی، عوامل مؤثر در کاهش میزان مشکلات عاطفی در نوجوانان محسوب می‌شود؛ که لازم است در فرآیندهای درمانی به آنها توجهی خاص مبذول گردد. نتایج مطالعات هرینگ (۱۹۹۷) و پترسون و همکاران (۱۹۹۴) نیز حاکی از همین موضوع می‌باشد.

در یک بررسی کلی می‌توان چنین نتیجه گرفت که آنچه پسران رادر کاهش مشکلات هیجانی و عاطفی یاری می‌دهد، میزان عدم وابستگی و خود اتکایی از یک سو و میزان احساس همبستگی خانوادگی، از سوی دیگر می‌باشد. اما، آنچه پسران رادر معرض مشکلات هیجانی و عاطفی قرار می‌دهد، احساس فردیت در آنهاست. از سوی دیگر آنچه دختران رادر مقابله با مشکلات هیجانی و عاطفی یاری می‌دهد، همبستگی خانوادگی و احساس ایده آل نبودن والدین می‌باشد و آنچه آنها رادر معرض مشکلات عاطفی و هیجانی قرار می‌دهد، فردیت و احساس همبستگی خانوادگی پایین است.

در انتها، پیشنهاد می‌گردد تا در بررسی‌های آتی این مدل، از متغیرهای واسطه‌ای دیگری همانند اعتماد به نفس و یا هویت استفاده شود تا الگوی مشکلات عاطفی در نوجوانان روشن تر گردد.

منابع

جوکار، بهرام. (۱۳۷۹). چگونگی ادراک نوجوانان از همبستگی و اقتدار در خانواده واقعی و آرمانی. چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی و اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان. دانشگاه علوم پزشکی و

دوی این مقادیر برابر با ۰/۹۴ محاسبه گردید. این شاخص‌ها نیز حاکی از تطابق مناسب مدل مورد نظر بود.

بحث

همان گونه که از نتایج تحلیل مدل فوق بر می‌آید، جنسیت و همبستگی خانوادگی، دارای اثر منفی بر مشکلات عاطفی می‌باشند. این اثرات بدین ترتیب می‌باشند که جنسیت به عنوان یک متغیر مستقل، عاملی تعیین کننده در میزان مشکلات عاطفی افراد به حساب می‌آید. نحوه این تأثیر از این قرار است که دختران دارای مشکلات عاطفی بیشتری در مقایسه با پسران می‌باشند. به عبارت دیگر دختران به لحاظ جنسیتی دارای آمادگی بالاتری برای ابتلا به مشکلات عاطفی می‌باشند. این نتیجه با سایر نتایج حاصل از تحقیقات پیشین هماهنگ می‌باشد (دیویس^۱ و ویندلی، ۱۹۹۷). در خصوص متغیر همبستگی خانوادگی نیز نتایج حاکی از آن است که افرادی که دارای همبستگی خانوادگی بیشتری می‌باشند، از مشکلات عاطفی کمتری رنج می‌برند و افرادی که دارای همبستگی خانوادگی کمتری هستند، از مشکلات عاطفی بیشتری رنج می‌برند. این بخش از نتایج نیز با یافته‌های حاصل از تحقیقات پیشین (گیکس و اسچوالب، ۱۹۸۶؛ استرج^۲، ۱۹۹۸ و بالیستری، روزنجل و گیسینجر^۳، ۱۹۹۵) هماهنگ می‌باشد.

از میان ابعاد مختلف استقلال عاطفی، بعد فردیت، بیشترین تأثیر را بر مشکلات عاطفی دارد. این مدل حاکی از آن است که هر چه فرد احساس فردیت بیشتری نماید و خود را متفاوت تر از والدین خود احساس کند، مشکلات عاطفی بیشتری خواهد داشت. در واقع در وضعیتی که فرد نوجوان احساس تفاوت بیشتری نسبت به والدین خود کند و یا از سبک رفتاری والدین خود کمتر احساس رضایت کند، احتمال ابتلای او به مشکلات عاطفی بیشتر خواهد شد. چن و همکاران (۱۹۹۸) در مطالعه خود به همین نتیجه رسیدند.

بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش نامناسب ترین شرایط برای یک نوجوان زمانی است که احساس همبستگی خانوادگی در وی کم و احساس فردیت، بالا باشد. این شرایط به ویژه در مورد دختران ناگوارتر خواهد بود. طبق نتایج حاصل از مطالعه سامانی (۱۳۸۵)، احساس همبستگی پایین و احساس فردیت بالا در دختران، از جمله خصوصیات گروه دخترانی است که رفتار از خانه گریز داشته‌اند. عدم وجود پایگاه عاطفی از یک سو و احساس تفاوت نسبت به والدین

1- Daveis

2- Strage

3- Balistrerie, Rossnagel & Geisinger



خدمات بهداشتی درمانی استان زنجان. ۲۹-۲۷ مهر. زنجان.
رضویه، اصغر و سامانی، سیامک. (۱۳۷۹). مقایسه همبستگی خانوادگی دختران و پسران به پدر و مادر. چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی و اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان زنجان. ۲۹-۲۷ مهر. زنجان.
رضویه، اصغر و سامانی، سیامک. (۱۳۸۰). بررسی ساختار عاملی مقیاس استقلال عاطفی استنبرگ و سیلوربرگ برای استفاده در ایران. ششمین کنگره پژوهش‌های روان‌شناسی و روان‌شناسی در ایران. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. تهران.
سامانی، سیامک. (۱۳۸۵). بررسی و مقایسه همبستگی خانوادگی و استقلال عاطفی در دختران فراری از خانه و دختران عادی. مجله اندیشه و رفتار.
سامانی، سیامک. (۱۳۸۱). مدل علی همبستگی خانوادگی، استقلال عاطفی و سازگاری. پایان نامه دکتری. دانشگاه شیراز.
سامانی، سیامک و مزیدی، محمد. (۱۳۷۹). بررسی مقایسه‌ای دلبستگی عاطفی دختران و پسران نوجوان به پدر، مادر و دوستان. چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی و اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان زنجان. ۲۹-۲۷ مهر. زنجان.
محسنی، نیک چهره. (۱۳۷۸). از روان‌شناسی بین فرهنگی تا روان‌شناسی فرهنگی. مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه تهران. شماره اول.

- Adams, G. R.; Ryan, B. A.; & Keathing, L.** (2000). Family relationships, academic environments, psychological development and during the university experience: A longitudinal investigation. *Journal of Adolescent Research*, 15, 99-122.
- Ainsworth, M. D.** (1989). Attachment beyond infancy. *American Psychologist*, 44, 709-716.
- Allen, P. A.; Hauser, S. T.; Bell, K. L.; & C, T. G. (1994). Longitudinal assessment of autonomy and relatedness in adolescent-family interaction as predictors of adolescent ego development and self-esteem. *Child Development*, 65, 179-194.
- Balistreri, E.; Rossnagel, N. A.; & Geisinger, K. F.** (1995). Development and preliminary validation of the ego identity process questionnaire. *Journal of Adolescence*, 18, 179-192.
- Barber, B. K.** (1996). Parental psychological control: Revising a neglected construct. *Child Development*, 67, 3296-3319.
- Barber, B. K.** (1997). Introduction adolescent socialization in context - The role of connection, Regulation, and autonomy in the family. *Journal of Adolescents Research*, 12, 5-11.
- Barber, B. K.; & Olsen, J. A.** (1997). Socialization in context: connection, regulation, and autonomy in the family, school, and neighborhood, and with peers. *Journal of Adolescent Research*, 12, 287-315.
- Belsky, J.; Steinberg, L.; & Draper, P.** (1991). Childhood Experience, Interpersonal Development, and Reproductive Strategy: An Evolutionary Theory of Socialization. *Child Development*, 62, 647-670.
- Beyers, W.; & Goossens, L.** (1999). Emotional autonomy, psychosocial adjustment and parenting: interactions, moderating and mediating effects. *Journal of Adolescence*, 22, 753-769.
- Boykin, K.; & Allen, J. P.** (2001). Autonomy and Adolescent Social Functioning: The Moderating Effect of Risk. *Child Development*, 72, 220.
- Chen, Z. Y.; & Dornbusch, S. M.** (1998). Relating aspects of adolescent emotional autonomy to academic achievement and deviant behavior. *Journal of Adolescent Research*, 13, 293-319.
- Chou, K. L.** (2000). Emotional autonomy and depression among Chinese adolescents. *Journal of Genetic Psychology*, 2, 161-168.
- Cooper, J. E.; Holman, J.; & Braithwaite, V. A.** (1983). Self-esteem and family cohesion: the child's perspective and adjustment. *Journal of Marriage and The Family*, February, 153-159.
- Davies, P. T.; & Cummings, E. M.** (1998). Exploring children's emotional security as a mediator of link between marital relations and child adjustment. *Child Development*, 69, 124-139.
- Garber, J. & Littell, S. A.** (2001). Emotional autonomy and adolescent Adjustment. *Journal of Adolescent Research*, 16, 355-371.
- Gecas, V.; & Schwalbe, M. L.** (1986). Parental behavior and adolescent self-esteem. *Journal of Marriage and Family*, 48, 37-46.



- Gehring, T. M.; & Wyler, I. L.** (1994). Family-System Test (FAST): A Three Dimensional Approach to Investigate Family Relational Approach to Investigate Family Relationships. *Child Psychiatry and Human Development*, 16,
- Haring, S. B.** (1997). The relationships among parent-adolescent differentiation, sex role orientation and identity development in late adolescence and early adulthood. *Journal of Adolescence*, 20, 553-565.
- In Harter, S., Marold, D. B., Whitesell, N. R., and Cobbs, G.** (1996). A Model of the Effects of Perceived Parent and Peer Support on Adolescent False Self Behavior. *Child Development*, 67, 360-374.
- Harter, S.** (1990). Causes, Correlates and the Functional Role of Global Self-Worth: A Life-Span Perspective.
- Hartos, J. L.; & Power, T. G.** (2000). Association between mother and adolescent reports for relations between parent-adolescent communication and adolescent adjustment. *Journal of Youth and Adolescence*, 29, 441-451.
- Johnson, H. D.; Lavoie, J. C.; & Mahony, M.** (2001) Interparental Conflict and Family Cohesion Predictors of Loneliness, Social Anxiety & Social Avoidance in Late Adolescence. *Journal of Adolescent Research*, 16, 304-318
- Kerr, M.; Stattin, H.; & Trost, K.** (1999). To know you as to trust you: parents' trust is rooted in child disclosure information. *Journal of Adolescence*, 22, 737-752.
- Ketsetzis, M.; Ryan, B. A.; & Adams, G. R.** (1998). Family processes, parent-child interactions, and child characteristics influencing school social adjustment. *Journal of Marriage and Family*, 60, 374-387.
- Klein, D. M.; & White, J. M.** (1996). *Family Theories: An introduction*. SAGE.
- Lamborn, S. D.; & Steinberg, L.** (1993). Emotional autonomy redux: revisiting Ryan and Lynch. *Child Development*, 64, 483-499.
- Lamborn, S. D.; Steinberg, L.; & Dornbusch, S. M.** (1991). Patterns of competence and adjustment among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent, neglectful families. *Child Development*, 62, 1049-1065. Scales (DASS) With the Beck Depression and Anxiety Inventories. *Behaviour Research and Therapy*, 33, 335-342.
- Lovibond, P. F.; & Lovibond, S. H.** (1995). The Structure of Negative Emotional Stages: Comparison of the Depression Anxiety Stress
- Lucia, V. C.; & Breslau, N.** (2006). Family cohesion and children's behavior problem: A longitudinal investigation. *Psychiatry Research*, 141, 141-149.
- Noom, M. J.; Dekovic, M.; & Meeus, W. H.** (1999). Autonomy, attachment and psychosocial adjustment during adolescence: a double-edged sword? *Journal of Adolescence*, 22, 771-783.
- Novack, P.; & Puschner, B.** (1999). Differential trajectories of parent-child relationships and psychosocial adjustment in adolescents. *Journal of Adolescence*, 22, 795-804.
- Oliva, A.** (2001). Personal, social and family correlates of emotional autonomy in adolescence. *Journal of Adolescent Research*, 16, 355-371.
- Paterson, J. E.; Field, J.; & Pryor, J.** (1994). Adolescent's perceptions of their attachment relationships with their mothers, fathers, and friends. *Journal of Youth and Adolescent*, 23, 579-600.
- Rice, K. G.; Cole, D. A.; & Lapsley, D. K.** (1990). Separation-individuation, family cohesion, and adjustment to college: measurement validation and test of a theoretical model. *Journal of Counseling Psychology*, 37, 195-202.
- Ryan, R. M.; & Lynch, J. H.** (1989). Emotional autonomy versus detachment: revisiting the vicissitudes of adolescence and young adulthood. *Child Development*, 60, 340-356.
- Stienberg, L.; & Silverberg, S.** (1986). The Vicissitudes of Autonomy in Adolescence. *Child Development*, 57, 841-851.
- Strage, A. A.** (1998). Family context variables and the development of self-regulation in college students. *Adolescence*, 33, 17-31.
- Stevens, D. P.; & Riley, P. J.** (2006). His, hers, or ours? Work-to-family spillover, crossover, and family cohesion. *The Social Science Journal*, 43, 425-436.
- Thomas, R. M.** (1992). *Comparing Theories of Child Development*. California: Wordsworth.
- Victor, A. M.; Bernat, D. H.; Bernstein, G. A.; & Layne, A. E.** (2006). Effects of parent and family characteristics on treatment outcome of anxious children. *Journal of Anxiety Disorders*, 1, 1-14.